

**Comparative Studies
in Jurisprudence,
Law, and Politics**

Jurisprudential and Legal Examination of Non-Pecuniary Rights of Spouses in Iranian and French Law

1. Fatemeh Zarei*: Assistant Professor, Department of Education, Safashar Branch, Islamic Azad University, Safashar, Iran (Corresponding Author).

ABSTRACT

Today, one of the fundamental branches of civil law in every country is family law. The stability and continuity of the family—as the smallest yet most essential social unit in any society—depend significantly on this area of law. A critical aspect of family law is the set of relationships and rights that exist between spouses. This study aims to conduct a comparative analysis of the non-pecuniary rights of spouses under Iranian and French family law. The research employed a descriptive-analytical methodology. Data were collected based on the family law of Iran and the civil code of France. The findings indicate that, in Iranian law—which is rooted in Islamic jurisprudence—non-pecuniary spousal rights are often granted in favor of the husband and reflect male authority. This is evident in areas such as the right to retain the family name, the wife’s right to employment, the right to determine the shared residence, nationality and household leadership, the right to divorce, the father’s authority in a child’s marriage, and paternal or paternal-grandfatherly guardianship. In contrast, French law, through its historical and developmental trajectory, has adopted a shared perspective on non-pecuniary spousal rights, granting both spouses equal legal status in these matters.

Keywords: *Non-pecuniary rights, spouses, Iranian family law, French law.*

How to cite: Zarei, F. (2025). Jurisprudential and Legal Examination of Non-Pecuniary Rights of Spouses in Iranian and French Law. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(4), 20-40.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 2024-08-25
Revise Date: 2024-10-16
Accept Date: 2024-11-02
Publish Date: 2025-06-03



پژوهش‌های تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

بررسی فقهی، حقوقی حقوق غیرمالی زوجین در حقوق ایران و فرانسه

۱. فاطمه زارعی *؛ استادیار، گروه معارف، واحد صفاشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، صفاشهر، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

امروزه یکی از بخش‌های اساسی حقوق مدنی در هر کشوری حقوق خانواده می باشد. و ثبات و دوام خانواده به عنوان کوچکترین و در عین حال مهمترین گروه در هر جامعه ای همین حقوق می باشد. یکی از بخش‌های مهم این حقوق روابط و حقوقی است که میان زوجین وجود دارد. این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی حقوق غیرمالی زوجین در حقوق خانواده ایران و فرانسه انجام گردید. در این تحقیق از روش تحقیق توصیفی تحلیلی استفاده شده است. داده‌ها بر اساس حقوق خانواده در ایران و حقوق مدنی فرانسه جمع آوری گردید. یافته‌ها نشان داد که در حقوق ایران که بر مبنای فقه اسلامی نشأت می گیرد حقوق غیرمالی زوجین در موارد متعددی به نفع زوج و اقتدار مردان می باشد. چنانچه در رابطه با بهره مندی از نام خانوادگی، حق اشتغال زوجه، حق تعیین مسکن مشترک، تابعیت و ریاست، حق طلاق و حق اقتدار پدر در ازدواج فرزند، حق ولایت با پدر یا جد پدری می باشد. اما در حقوق فرانسه در مسیر فرایند تاریخی و تکمیلی خود، حقوق غیرمالی زوجین جنبه اشتراکی داشته و هر دو از حقوق یکسانی برخوردار هستند.

واژگان کلیدی: حقوق غیرمالی، زوجین، حقوق خانواده ایران، فرانسه

نحوه استناددهی: زارعی، فاطمه. (۱۴۰۴). بررسی فقهی، حقوقی حقوق غیرمالی زوجین در حقوق ایران و فرانسه. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۷(۴)، ۲۰-۴۰.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۶/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲

تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳



حقوق خانواده به مجموعه قوانین و مقرراتی گفته می‌شود که ناظر به تنظیم روابط خانواده است. حقوق خانواده شامل سه بخش مهم است: ازدواج، طلاق و روابط والدین با فرزندان. مباحثی مانند مهریه زوجه و نفقه همسر در بحث ازدواج و مباحث جدایی و طلاق و فسخ نکاح در بخش دوم (طلاق) و مباحث مربوط به نسب، قرابت، نفقه اقارب، حضانت طفل و فرزندخواندگی در بخش سوم قرار دارد. حقوق خانواده در وهله اول باید به بهبود کنش‌های اجتماعی و تقویت ارزش‌های اخلاقی در خانواده کمک کند. تعریف استانداردهای رفتاری توسط قانون‌گذار می‌تواند در این جهت کارآمد باشد. احترام قانون‌گذار به دو جنس مرد و زن، ایجاد تعادل در حقوق و تکالیف آن‌ها و توجه به نیازهای متعارف و منطقی آنان از جمله اصولی است که نظام حقوقی باید از آن بهره‌گیرد. دخالت حداقلی در روابط بین والدین و فرزندان از دیگر اصولی است که حقوق خانواده باید از آن پیروی کند (Shirvai, 2018).

در علم حقوق، از حق تعاریف متعددی شده که به نظر حقوق‌دانان این تعدد تعاریف، ناشی از اختلاف نظر درباره مبنا و منشأ حق است (Katouzian, 2004). برخی عنصر اصلی حق را اراده‌ای دانسته‌اند که به موجب قوانین، حاکمیت یافته است. بنابراین، حق به نظر آنان توانایی‌ای است که به اشخاص داده شده است. برخی دیگر، با مبنا قراردادن نفع، حق را نفعی دانسته‌اند که از نظر حقوقی و قانونی حمایت می‌شود. اما پیش‌تر حقوق‌دانان اشخاص را مبنای حق در نظر گرفته و حق را نوعی توانایی دانسته‌اند که حقوق هر کشور به اشخاص می‌دهد تا از مالی مستقیماً استفاده کنند یا انتقال مال و انجام دادن کاری را درخواست کنند. به بیان دیگر، حق سلطه‌ای است که شخص در حدود قوانین بر دیگری پیدا می‌کند و مورد حمایت قانون‌گذاری است. به تعبیر برخی حقوق‌دانان، حق مصلحتی است با ارزش مالی که قانون از آن حمایت می‌کند. حق دارای تقسیمات زیادی است که یکی از آن‌ها عبارت است از: مالی و غیرمالی حق مالی آن است که اجرای آن مستقیماً برای دارنده، ایجاد منفعتی نماید که قابل تقویم به پول باشد مانند: حق مالکیت نسبت به خانه که مستقیماً برای دارنده آن ارزش پولی دارد که می‌تواند آنرا بفروشد یا اجاره دهد. حق غیر مالی، امتیازی است که هدف آن رفع نیازمندی‌های عاطفی و اخلاقی است مانند: حق زوجیت که مستقیماً برای زن ایجاد نفعی که قابل تقویم به پول باشد نمی‌کند، ولی غیر مستقیم حق نفقه برای او ایجاد می‌شود این حقوق قابل واگذاری به غیر نیست و به صورت امری توسط قانونگذار وضع شده است (Jafari Langroudi, 1997).

همچنین حقوق خانواده از زیر مجموعه‌های حقوق مدنی است و با استفاده از مقررات و قوانینی می‌تواند باعث دوام یافتن خانواده و یا انحلال آن شوند. در حقوق خانواده موارد مختلفی مثل خانواده، مصالح خانواده، برآورده کردن نیازهای عاطفی هر فرد، حقوق و وظایفی که اعضا نسبت به هم دارند و ... بیان می‌شوند. حقوق خانواده، نزدیک‌ترین شاخه حقوق به اخلاق و شاید قواعد اجتماعی است، لذا تلقی حقوق خانواده به مثابه قلمرو اعمال حاکمیت از طریق زور یک اشتباه بزرگ است (Roshan, 2017).

در تعریفی از حقوق خانواده آمده است: شعبه‌ای از علم حقوق است، ناظر به قوانین که عهده دار تنظیم روابط خانوادگی است مانند نکاح و حضانت، مقررات حقوق فرزند، قیمومت، وصیت، نفقه زوجه و اقارب. حقوق خانواده در میان مباحث مختلف حقوقی از اهمیت خاصی برخوردار است. رسول گرامی اسلام در توصیف اهمیت خانواده فرموده است: هیچ بنایی در اسلام نزد خداوند محبوب‌تر و عزیزتر از ازدواج نیست. خدای متعال آفرینش همسر برای انسان را نشانه‌ای بزرگ برای اهل اندیشه و نعمتی در خور سپاس شمرده است. در مقدمه قانون اساسی از خانواده به عنوان واحد بنیادین جامعه یاد شده است (Hedayatollah, 2019).

موضوعات حقوق خانواده به طور مختصر عبارتند از: نامزدی، نکاح، انحلال نکاح، طلاق، جهیزیه، مهریه، نفقه، نسب، حضانت، ولایت، قیمومت، وصایت، رشد، حجر، امور راجع به غایب مفقودالثر، اهدای جنین، تغییر جنسیت و مانند این‌ها (Jamshidi Naeini, 2015). حقوق خانواده یکی از مهمترین بخش‌های حقوق مدنی است و به لحاظ این که سعادت و کمال جوامع بشری در گرو سعادت و کمال خانواده است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در تمام ادوار و در تمام ادیان الهی به خصوص دین مقدس اسلام به عنوان موضوع خاص و حساس مورد احترام قرار گرفته است (Yazdi & Bahman Keshavarz, 2013). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز خانواده را واحد بنیادین جامعه و مرکز اصلی رشد و تعالی انسان عنوان کرده است.

در ایران قانونگذاری در حوزه حقوق خانواده، ابتدا بیشتر جنبه شکلی داشته و مربوط به چگونگی ثبت نکاح و طلاق بوده است. اولین قانون در سال ۱۳۱۰ با عنوان قانون ازدواج در ۲۰ ماده به تصویب رسید که عمدتاً مربوط به مسائل ثبتی بوده و برخی مسائل مربوط به نفقه و حضانت هم در آن مطرح شده بود. سپس قانون محاکم شرع در همین سال به تصویب رسید. به موجب این قانون، دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق و نیز بر خورداری شوهر از پرداخت نفقه، در محاکم شرع با حضور مجتهد جامع شرایط رسدگی می شد. قانون بعدی که راجع به خانواده به تصویب رسید، مواد قانونی مربوط به حقوق خانواده در قانون مدنی بود که در دو مرحله یعنی در اسفند ۱۳۱۳ و فروردین ۱۳۱۴ به تصویب شد. اما اولین قانون خاص خانواده در سال ۱۳۴۶ با عنوان قانون حمایت خانواده به تصویب رسید و آخرین قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۹۱ تصویب شده است. دولت عثمانی به عنوان نخستین حکومت مسلمان، قانون حقوق خانواده را بر پایه مذاهب چهارگانه اهل سنت به ویژه فقه حنفی تصویب کرد. این قانون تا مدت‌ها پس از فروپاشی حکومت عثمانی، در برخی کشورها از جمله سوریه و لبنان، معتبر بود. در مصر نیز مقررات حقوق خانواده در چهارچوب قوانین احوال شخصیه بر پایه فقه اسلامی، تدوین و طی چند سال تکمیل شد. با الگو پذیری از این قوانین در دیگر کشورهای اسلامی نیز به تدریج قوانین حقوق خانواده تدوین شد (Jamshidi Naeini, 2015). این پژوهش با استفاده روش توصیفی تحلیلی به بررسی تطبیقی حقوق غیرمالی زوجین در حقوق خانواده ایران و فرانسه می پردازد.

پیشینه تحقیق

صفایی و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی به واکاوی فقهی و حقوقی وکالت زنان در طلاق و مقایسه آن با نظام حقوقی فرانسه پرداختند. بر اساس یافته‌های این تحقیق، رویکرد حقوق ایران و فرانسه در خصوص طلاق، با وجود قرابت در بسیاری از موارد، با توجه به تفاوت مبانی در این زمینه متفاوت می باشد. در حقوق موضوعه ایران به تبعیت از مبانی فقه امامیه، حق طلاق به صورت انحصاری در اختیار مرد می باشد ولی در گذر زمان و با تغییر ساختار جوامع، جهت کنترل و تعدیل این حق در حقوق ایران، وکالت زوجه در طلاق با شرایطی به استناد منابع فقهی پذیرفته شده است. در مقابل در حقوق فرانسه بحث وکالت در اجرای صیغه طلاق با نظر کنترلی قاضی امور زناشویی پذیرفته شده است و با توجه به تبعیت حقوق فرانسه از نظریه طلاق به عنوان انحلال قرارداد ازدواج و قایل شدن حق طلاق برای طرفین عقد ازدواج، بحث توکیل زوجه در انشای طلاق مفهومی نداشته و به منزله شرطی بی فایده می باشد (Safaei et al., 2021).

فهمی (۱۴۰۰) در تحقیقی به بررسی مصادیق تحقق عسر و حرج در نکاح در قانون ایران و فرانسه پرداخته است. بدیهی است که در این زمینه برخی مشترکات و برخی تفاوت‌ها در مصادیق تحقق عسر و حرج وجود دارد. از موارد مشترک در مصادیق عسر و حرج می‌توان از ترک زندگی مشترک به مدت قابل توجه، ابتلای زوج به بیماری‌های صعب‌العلاج، سوء‌معاشرت زوج و محکومیت قطعی زوج به زندان نام برد. در مورد مصادیق غیر مشترک می‌توان به عدم پرداخت نفقه، عقیم بودن زوج، ازدواج مجدد زوج، اشتغال زوج به شغل مغایر با مصالح خانوادگی

و استفاده مستمر از داروهای روان‌گردان در حقوق ایران و نیز ارتکاب زنا از ناحیه احد زوجین، طول کشیدن مفارقت جسمانی به مدت ۶ سال، تحقیر و توهین احد زوجین یا مفقودالایر شدن یکی از آنها در قانون فرانسه اشاره نمود (Fahimi, 2021). آزادفر و سلطانی (۱۳۹۹) در تحقیقی نشان داد که در حقوق ایران، مرد می‌تواند با رعایت تشریفات مقرر در قانون، زن خود را طلاق دهد لیکن درخواست طلاق از طرف زن به راحتی پذیرفته نمی‌شود و زوجه در صورت اثبات موارد خاصی می‌تواند درخواست طلاق کند. ترک انفاق از سوی زوج، غیبت زوج به مدت طولانی، سوء رفتار یا سوء معاشرت زوج، ارتکاب جرم توسط زوج و عسر و حرج زوجه از جمله این موارد می‌باشد. در حقوق فرانسه نیز، حق طلاق برای زوجین در نظر گرفته شده و هریک از زوجین به طور مساوی از حق طلاق برخوردار می‌باشند (Azadfar & Soltani, 2020).

حقوق غیر مالی زوجین

یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای حقوقی ازدواج، آن است که طرفین، به صورت کامل، در خصوص حقوق مالی و غیر مالی خود، به توافق رسیده و در صورت لزوم، به صورت شرط ضمن عقد، آن را در متن عقدنامه ذکر نمایند. با این حال، حقوق زن در ازدواج، منحصر به حقوق مالی نبوده و بعضاً، زن و شوهر، حقوق غیر مالی نیز، بهره‌مند خواهند شد در حقوق ایران مانند ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی، هر یک از زوجین، مکلف هستند که با یکدیگر، حسن معاشرت داشته باشند و بر اساس ماده ۱۱۰۴ نیز، زوجین، باید در تقویت مبانی خانواده و تربیت کردن فرزندان، با یکدیگر همکاری نمایند.

علاوه بر این، یکسری حقوق غیر مالی را می‌توان حین عقد ازدواج دائم یا موقت، برای زوجه لحاظ نمود که در صورت پذیرش این امر توسط مرد، حقوق غیر مالی در طول زندگی مشترک، به زوجه، تعلق خواهد گرفت. به عنوان نمونه، می‌توان از حق طلاق زن یاد کرد که از جمله مهم‌ترین مصادیق حقوق زن در ازدواج می‌باشد با این توضیح که، بر اساس قانون، اصولاً حق طلاق، با مرد است و او می‌تواند هر زمان که بخواهد، با مراجعه به دادگاه، همسر خود را طلاق دهد؛ اما زوجه، صرفاً در صورت دارا بودن شرایط خاصی، می‌تواند از دادگاه درخواست طلاق نماید. همین موضوع، سبب می‌شود که زوجه، بتواند برای جبران این موضوع، حق طلاق خود را که یکی از حقوق غیر مالی در زندگی مشترک تلقی می‌شود، حین عقد، شرط نموده تا در صورت لزوم، بتواند به استناد آن، از شوهر خود جدا شود.

علاوه بر این، یکی دیگر از حقوق غیر مالی زن در ازدواج، اخذ حقوقی از جمله حق تحصیل می‌باشد که به موجب آن، زوجه می‌تواند به صلاحدید خود، اقدام به ادامه تحصیل پس از ازدواج نماید و شوهر، نمی‌تواند در این خصوص، ممانعتی به عمل آورد. امروزه، حق تحصیل، یکی از مهم‌ترین حقوق زن در ازدواج محسوب می‌گردد.

از دیگر حقوق غیر مالی زن در زندگی مشترک، حق اشتغال به کار می‌باشد؛ چرا که بر اساس قانون، شوهر، می‌تواند زوجه را از شغلی که با شئون و حیثیت خانوادگی، منافات دارد، منع نماید. به همین دلیل، می‌توان حق اشتغال زنان ضمن عقد نکاح را از شوهر، اخذ نمود که این موضوع، یکی از مهم‌ترین مصادیق حقوق زن در ازدواج است.

همچنین، از آن رو که زوجه، مکلف به تمکین از همسر می‌باشد، خروج از منزل بدون رضایت شوهر نیز، مصداق عدم تمکین خواهد بود. به همین دلیل، در صورتی که زوجه، قصد داشته باشد اقدام به مسافرت نماید، می‌توان حق سفر کردن را نیز، ضمن عقد، شرط نماید تا در صورت لزوم، بتواند از این حق غیر مالی، به عنوان یکی از حقوق زن در ازدواج، بهره‌مند شود.

علاوه بر اینها، بر اساس قانون مدنی، زوجه مکلف به تمکین عام و خاص از شوهر است که یکی از مهم‌ترین مصادیق آن، زندگی با شوهر در منزلی است که وی، انتخاب کرده است. با این وجود، حق تعیین محل سکونت به عنوان یکی از حقوق غیر مالی زن در زندگی مشترک، می‌تواند ضمن عقد، به نفع زن، شرط شود که در این صورت، زوجه به استناد این حق غیر مالی، می‌تواند در محل جداگانه‌ای سکونت کرده؛ بی‌آنکه مرتکب عدم تمکین شود. با توجه به اینکه قانون مدنی ایران جزو نادر قوانین مدنی کشورهای اسلامی است که مستقیماً بر مبانی حقوق اسلامی استوار شده و تنها قانون مدنی است که در آن قواعد فقه امامیه رعایت گردیده است.

در فرانسه نیز بین سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۰۴ بود که مبارزه با خشونت علیه زنان پررنگ گشت و به تدریج قوانینی جهت اعطای حق طلاق به زنانی که مورد خشونت خانوادگی قرار می‌گیرند، وضع گردید. همچنین گشایش‌هایی در خصوص بالا بردن دستمزد زنان و بهبود وضعیت آنان در زمان مرخصی و بارداری اعمال شد. دومین طرحی که برای بهبود وضعیت زنان فرانسوی ارائه گشت، بین سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۸ بود که تماماً به حمایت از زن در قبال خشونت برمی‌گردد. این بحث به عنوان یکی از موضوعات ملی کشور فرانسه در دست پیگیری مستمر قرار گرفت. در خلال سال‌های پس از آن، قوانینی جهت بهبود معیشت زنان در دوره بازنشستگی و سلامت و بهداشت نیز وضع گردید. از سال ۲۰۱۷ تا امروز، زمینه‌هایی که در مورد حقوق بشر زنان بر آن تمرکز شده، بیشتر بر آزادی بیان و ایجاد اصلاحات قضایی جهت پیشگیری از هجمه آسیب به زنان برمی‌گردد. در این راستا، حتی مجازات حبس و جریمه‌های سنگین ۳۰ هزار یورویی برای متعرضین به زنان در نظر گرفته شده است.^۱

حقوق غیرمالی زوجین از دیدگاه اسلام

خانواده از دیدگاه اسلام، واحد کوچک اجتماعی است که اجتماع‌های بزرگ‌تر از همین واحدها تشکیل می‌یابد. این واحد کوچک، از یک زن و مرد تشکیل شده، با تولید فرزند توسعه می‌یابد. در بین اعضای خانواده ارتباط کامل برقرار است و اهداف و منافع مشترکی دارند. سعادت هر یک از اعضا، به خوش‌بختی همه‌ی اعضا بستگی دارد. زن و مرد بعد از ازدواج باید به فکر مجموع اعضا باشند و تفکر فردی نداشته باشند. ارتباط بین زن و شوهر، مانند دو شریک یا دو همسایه یا دو دوست نیست، بلکه بسیار بالاتر و در حد وحدت است. قرآن در این باره تعبیر بسیار جالبی دارد: و از نشانه‌های خداست که از نفس خود شما برایتان زوج بیافرید تا به آنان آرامش و سکون بیابید، و بین شما محبت و دلسوزی قرار داد، و در این موضوع برای کسانی که اهل تفکر باشند نشانه‌هایی است.^۲ «جمله‌ی: خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجاً بِر شَدَّتِ اتِّصَالِ و ارتباط دلالت دارد. در آیه‌ی دیگر درباره‌ی زن و شوهر می‌فرماید: زنان برای شما لباس و شما نیز برای آنان لباس هستید؛^۳

رفتار زن و شوهر نسبت به هم‌دیگر باید خوب و کاملاً پسندیده باشد. قرآن می‌فرماید: با زنان به شیوه‌ی معروف زندگی کنید؛^۴ معروف در برابر منکر، به معنای رفتاری است که از نظر شرعی و عقلی پسندیده باشد. گرچه خطاب در آیه متوجه مردان است، زنان نیز همین وظیفه را دارند. زن و شوهر باید با یک‌دیگر مهربان، خوش‌اخلاق، خوش‌برخورد، خندان، دلسوز، مددکار، غمخوار، باادب، با انصاف، راست‌گو، رازدار،

^۱ www.ipis.ir.

^۲ روم (۳۰) آیه ۲۱:

^۳ بقره (۲) آیه ۱۸۷

^۴ نساء (۴) آیه ۱۹

امین، وفادار، خیرخواه و خوش رفتار باشند. در احادیث نیز به موضوع حسن معاشرت زن و شوهر تأکید شده است. پیامبر اسلام (ص) فرمود: کامل‌ترین مردم از جهت ایمان کسانی‌اند که اخلاقشان نیکوتر باشد. خوبان شما کسانی هستند که به زنانشان نیک‌رفتار باشند.^۱ از مهم‌ترین حقوق غیرمالی زوجین از دیدگاه اسلام می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- حق سکونت مشترک

به این معنا که بر زوجه واجب است در جایی سکونت کند که زوج انتخاب کند و چگونگی سکونت مرد طوری باشد که از ماندن او در خانه حالت همراهی نتیجه شود. زن تنها در صورت ترس از آسیب جسمی یا مالی یا شرافتی می‌تواند از سکونت مشترک خودداری کند (ماده ۱۱۱۵ ق.م.). هرچند حق شوهر تعیین محل سکونت است (۱۱۱۴ ق.م.)، زن حق استقلال در سکونت دارد و در نوع مسکن باید به شوهر زن توجه شود. این دو حق به زن داده شده است، زیرا او باید بیشتر وقت خود را در منزل صرف کند و نباید شرایط نامناسب آن، آسایش و آرامش او را سلب کند (Katouzian, 2003).

۲- حق معاشرت به معروف

حق معاشرت به معروف که از آیات قرآن برداشت می‌شود (نساء، ۱۹ و ۲۵؛ بقره، ۱۸۰، ۲۲۸، ۲۲۹ و ۲۳۱) و به معنای زندگی رایج در جامعه و به نحوی زیبا و پسندیده است. بیشتر بحث‌ها در مشاوره و درمان زوجین به این اصل بازمی‌گردد، ولی نکته مهم تأکید بر حق و وظیفه حقوقی متقابل همسران نسبت به حسن معاشرت است (Salari Far, 2016).

۳- حق بهره‌گیری جنسی

حق بهره‌گیری جنسی زن و شوهر از هم که در مورد زن از آن تعبیر به تمکین می‌شود. زن نسبت به شوهر مسئولیت دارد که در صورت آمادگی جسمی و روانی به نیاز جنسی مرد با تمام وجود پاسخ دهد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۰۷ و مواد ۱۰۸۵ و ۱۱۰۸ ق.م.). همچنین، مرد باید به نیازهای جنسی زن پاسخ دهد، زیرا ممکن است کوتاهی مرد موجب گناهکاری او و بازخواست حقوقی شود (مواد ۱۱۲۲ تا ۱۱۲۵ ق.م.). قرآن مرد را برحذر می‌دارد از اینکه زن را در زندگی زناشویی، از جمله در امور جنسی بلا تکلیف رها نکند (نساء، ۱۲۹).

۴- ریاست خانواده

از حقوق مهم شوهر، ریاست خانواده است که به تصمیم‌گیری‌های مهم خانواده مربوط شود. در بحث توزیع قدرت در خانواده به آن اشاره شد. این مورد را حق اطاعت نیز می‌نامند. یکی از آثار ریاست، حق شوهر در کنترل خروج زن از خانه و لزوم هماهنگی زن با اوست که نوعی مرزسازی در روابط زوجین است.

۵- رعایت استقلال شخصیت

یکی از حقوق مهم زن و مرد نسبت به هم رعایت استقلال شخصیت هر یک از آنان پس از ازدواج است. این حق به ابعاد گوناگونی مانند حریم خصوصی، استقلال مالی، عقاید و ارزش‌های و رشد علمی اخلاقی فرد باز می‌گردد. حریم خصوصی هر فرد عبارت از محدوده فیزیکی مربوط به او مانند کیف، نوشته‌ها، لوازم، تلفن همراه و سایر اموال، و حریم روانی عبارت از اسرار و خاطرات و حوادث شخصی فرد است که مایل نیست دیگران و حتی همسر از آن آگاه شود. یکی از مشکلات زوج‌ها در جامعه امروزی، ورود به حریم همسر مانند سرکشی به تلفن همراه او است. این حق هر زن و مرد است که هیچ فردی حتی همسر در امورش تجسس نکند. محتوای صریح قرآن تجسس را نهی می‌کند

^۱ بحارالأنوار، ج ۷۱، ص ۳۸۹.

(حجرات، ص ۱۲). نوع دیگر ورود به حریم خصوصی، پرسش از گذشته فرد و اعتراف گیری از او است. تفتیش عقاید و ارزش‌های فرد نیز تعدی به حریم اوست.

مقایسه حقوق غیرمالی زوجین در حقوق خانواده ایران و فرانسه

بهره مندی از نام خانوادگی

ایران: بر اساس ماده ۴۲ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵، پیشبینی شده است که زن می‌تواند با موافقت همسرش تا هنگامی که در قید زوجیت است، از نام خانوادگی همسرش بدون رعایت حق تقدم بهره‌گیری نماید و در صورت طلاق، ادامه بهره‌مندی از نام خانوادگی، مشروط به اجازه همسر می‌باشد، قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵، در زمینه به کارگیری مرد از نام خانوادگی زن صراحتی ندارد و بیان شده است که قانون در این زمینه، تفوقی برای مرد ایجاد نکرده است. لذا، مرد مثل افراد دیگر، چنانچه بخواهد از نام خانوادگی زن استفاده کند، باید اجازه دارنده حق تقدم را جلب نماید، فرقی ندارد که دارنده حق تقدم همسرش باشد یا شخص دیگر. موضوع دیگری که اخیراً بحث‌های فراوانی از سوی برخی کارشناسان حوزه زنان و خانواده در مورد آن انجام شده است، درج نام مادر در کنار اسم پدر بر روی کارت ملی است. به نظر می‌رسد این موضوع یعنی درج نام مادران در کارت ملی افراد، به عنوان نشان‌گر هویت ملی مغفول مانده است، درحالی که این امر از جمله مطالبات مادران محسوب می‌شود. به همین دلیل ضرورت دارد این رویکرد ارزش‌گذارانه به نقش والدین، در صدور کارت ملی نیز پیشبینی شود تا نقش مادری زنان و شان آنان، مورد تکریم واقع شود. البته در چند سال اخیر برخی از مسایل حوزه زنان و خانواده بیشتر مورد توجه مسئولان کشور قرار گرفته است، به طوری که موضوعاتی همچون دیه برابر زنان و مردان، لایحه تامین امنیت زنان در برابر خشونت، تابعیت ایرانی فرزندان با مادران ایرانی و پدران خارجی، لایحه ممنوعیت ازدواج دختران زیر ۱۳ سال، تلاش برای تصویب ماده ۱۰۱ و ۱۰۲ قانون برنامه ششم توسعه برای تحقق عدالت جنسیتی و چندین موضوع دیگر در صدر اخبار قرار گرفته است.

فرانسه: قانون مدنی فرانسه در مواد ۲۱۲-۲۲۶ خود فهرستی از حقوق و تکالیف زوجین را که بدون در نظر گرفتن روابط ملکی خاص زوجین اعمال می‌شود، ذکر می‌کند. این بدان معنی است که آن قوانین، که اغلب به آن‌ها رژیم اولیه اجباری (رژیم اجباری اساسی) می‌گویند، برای همه زوج‌های متأهل اعمال می‌شود. هدف تمام قوانین مندرج در این رژیم اجباری اساسی این است که نه تنها نیازهای عادی خانواده را برآورده کند، بلکه استقلال هر یک از همسران را نیز تضمین کند. آن‌ها برای همه زوج‌های متأهل دستورالعمل‌های اجباری، یکسانی هستند و ممکن است بر خلاف آن، آن‌ها را کنار بگذارند. همسران ابتدا به یکدیگر احترام، وفاداری، حمایت و کمک دارند (ماده ۲۱۲ قانون مدنی فرانسه)؛ هر دو با هم مسئول راهنمایی مادی و معنوی خانواده هستند (ماده ۲۱۳ قانون مدنی فرانسه).

با عنایت به پیامدهای حقوقی و اجتماعی نام خانوادگی و اثر آن بر اجتماع و خانواده، مقنن فرانسه به وضع قوانینی در این زمینه پرداخته که یکی از اصلی‌ترین آنها، امکان بهره‌مندی هر یک از زوجین از نام خانوادگی یکدیگر می‌باشد. در زمینه حق بهره‌گیری از نام خانوادگی هر یک از زوجین در دوره زناشویی، با عنایت به تغییراتی که در حقوق زنان به وجود آمد، نخست این زنان بودند که امکان برایشان فراهم شد که از نام خانوادگی مردان بهره‌گیرند. اما با عنایت به تحولات جامعه، مقنن فرانسه تصمیم گرفت تا قوانین را بر اساس نیاز زمان خود هماهنگ کند. لذا بر اساس ماده ۱-۲۲۵ قانون مدنی فرانسه، هر یک از زن و شوهر مختارند که از نام خانوادگی همسر به شکل جایگزین یا متصل به نام خانوادگی خود، با ترتیب مدنظرش، به منزله نام عرفی و معمول، بدون حق تقدم بهره‌گیرند (Hauser & Huet-Weiller, 1999) ولی بعد از طلاق، بر اساس ماده ۲۶۴ قانون مدنی فرانسه، اصل بر این است که زن و شوهر دیگر قادر نباشند نام خانوادگی همسرشان را به

کار بگیرند، مگر اینکه هر یک از زن و شوهر بتواند سودی خاص را برای خودشان یا فرزندانشان ثابت و توجیه کند که در این حالت می تواند با موافقت همسر، کماکان از نام خانوادگی اش استفاده نماید (Maurie & Fulchiron, 2016).

حق اشتغال

ایران: به منظور بررسی سیر تغییرات قانونی موضوع اشتغال زن در حقوق ایران، باید به قانون اساسی، قانون مدنی، قانون حمایت خانواده و قانون کار مراجعه کرد. تا قبل از مصوب شدن اولین قوانین حمایت خانواده در ایران، از ظاهر مواد ۱۱۰۵ و ۱۱۱۷ ق.م اینگونه استنباط می شود که مرد به منزله رئیس خانواده می تواند مصلحت مذکور در ماده را تشخیص و راساً زن را از اشتغال مورد نظر منع کند و در آخر، زن با مراجعه نمودن به دادگاه، این حق برایش متصور بود منافی نبودن شغلش را اثبات نماید و اعمال اقتدار مرد را منتفی نماید. اما با مصوب شدن قانون حمایت خانواده موضوع تغییر یافت؛ بدین نحو که در ماده ۱۵ قانون حمایت خانواده و ماده ۱۴ آیین نامه اجرایی آن، منع زن از اشتغال به شغل منافی را مشروط به صدور حکم قطعی دادگاه در خصوص اعلام منافی بودن شغل کرد؛ به صورتی که مرد تنها با ارائه چنین رأیی به کارفرما قادر بود وی را متعهد سازد تا به اشتغال زن خاتمه دهد. با شروع انقلاب و حکم فرمایی مقررات اسلامی، قانون اساسی در اصل ۲۸، به اصل آزادی اشتغال به منزله حقی برای تمام اتباع ایران اعم از زن و مرد اشاره کرد و قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ را گسترش داده و رویکردی تقریباً برابر بین زن و مرد ایجاد نمود و تفاوتی بین اشتغال ایشان قائل نشده است، از موقع تصویب قانون اساسی با عنایت به امکان تفسیر این قانون و حکومت آن بر دیگر قوانین عادی، ضرورت مصوب شدن قانون حمایت خانواده جدید در زمینه اشتغال و تحصیل زن احساس نشد. در عمل نیز به جهت تلاقی با مصالح خانوادگی، خیلی از فعالیت‌های شغلی زنان در اجتماع منع می شود.

فرانسه: در زمینه حق اشتغال زن در قانون مدنی کنونی فرانسه، ماده ۲۳۳ در زمینه تکالیف و حقوق زن و شوهر اعلام می نماید که هر یک از زن و شوهر این امکان را دارند به صورت آزاد به شغلی پرداخته، درآمد و حقوق خود را دریافت کند و پس از پرداخت هزینه‌های زندگی، باقیمانده را در اختیار بگیرد. در حقیقت، مقنن نه تنها به صراحت محجور بودن زنان را منتفی می داند، بلکه بر اساس ماده ۲۲۵ همان فصل از قانون اعلام می دارد: هر یک از زن و شوهر می توانند به تنهایی، اموال شخصی شان را مدیریت نموده، به رهن یا وثیقه بگذارند و منتقل کنند. به این نحو، به زنان حقوقی مساوی با مردان اعطا شده و اختلاف حقوقی بین زنان و مردان، از بین رفته است (Chatenet, 2009).

حق تعیین مسکن مشترک

ایران: در قانون مدنی، اختیار زوج در تعیین مسکن و تحمیل اقامتگاه زوج بر زوجه، به عنوان حقی مستقل شناخته شده و به مسئله تمکین زوجه موکول نگردیده است. از این رو، می توان گفت که حق تعیین مسکن از جانب زوج، از تبعات اعمال اقتدار زوج در خانواده است (Safaei & Ghasemzadeh, 2009).

زوجه صرفاً از طریق شرط ضمن عقد، می تواند در تعیین مسکن نقش ایفا نماید. از دید رویه قضایی، حق تعیین مسکن به حق تعیین شهر محل سکونت و تعیین منزل و منطقه سکونت تعبیر گردیده است.

به استناد ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی، «زن باید در منزلی که شوهر تعیین می کند سکنی نماید...». در این صورت، به دلیل آنکه تعیین مسکن با مسئله اقامتگاه نیز در ارتباط است، در ماده ۱۰۰۵ ق.م. مقرر گردیده است: «اقامتگاه زن شوهردار همان اقامتگاه شوهر است...» (روشن، ۱۳۹۶). فرانسه: قانون مدنی فرانسه در سال ۱۹۷۵، تغییری اساسی در راستای حمایت از زنان به وجود آورد و در آن، برتری مرد از قانون حذف گردید و حتی زندگی کردن در منزل واحد هم به عنوان یک تعهد، از قانون حذف شد. از آن سال انتخاب محل سکونت مشترک خانواده با

توافق طرفین بود (Malaurie & Fulchiron, 2016). در قانون مدنی کنونی فرانسه، به استناد ماده ۱۰۸، زوج و زوجه می‌توانند اقامتگاه جداگانه‌ای اختیار نمایند، در صورتیکه به قواعد مربوط به تعهد زندگی مشترک خللی وارد نشود. هر گونه اختطاریه برای یکی از زوجین (حتی اگر جدایی جسمانی نیز حاصل شده باشد)، در خصوص اهلیت اشخاص، باید به همسر یا شریک دیگر ارسال گردد. فرض عدم اجرای این مقرر به ضمانت اجرای بطلان روبه رو خواهد شد. هر چند ماده ۱۰۸ این سه نکته را به صراحت بیان نمود، چنانچه این ماده در کنار ماده ۲۱۵ قانون مدنی تفسیر گردد، بهتر است. زیرا قسمت نخست ماده ۱۰۸ که به زوجین حق انتخاب مسکن جداگانه می‌دهد، نباید مغایر با تعهد به زندگی مشترک زوجین باشد. در این صورت، محل اقامت خانواده جایی است که زوجین با توافق مشترک انتخاب نمایند و هیچ یک از زوجین بدون اذن دیگری، نمی‌تواند از حقوقی برخوردار گردد که به موجب آن، قادر به تعیین و تأمین منزل خانوادگی یا اثاث آن باشد.

تابعیت و ریاست

ایران: با عنایت به مواد قانون مدنی، در این زمینه که تحمیل تابعیت زوج بر زن از اثرات اقتدار مرد در روابط زن و مرد است یا خیر، بین حقوقدانان اختلاف نظر مشاهده می‌شود. عده‌ای از حقوقدانان، صراحتاً این موضوع را نتیجه اقتدار مرد در روابط زناشویی می‌دانند و در تأیید آن به مفاد ماده ۹۸۶ استدلال کرده‌اند که امکان رجعت این زن را به تابعیت نخست خود پس از فوت مرد و انتفای ریاست وی و با رعایت نمودن تشریفات قانونی، تجویز نموده است (Katouzian, 2023). عده‌ای دیگر از آن‌ها در خصوص اثرات اقتدار مرد در روابط زن و شوهر، معتقدند که تحمیل تابعیت مرد بر زن با وجود قبول از سوی بعضی، به منزله اثر ریاست مرد، از اثرات این اقتدار به شمار نمی‌رود. در این رویکرد، اینگونه استدلال می‌شود که تابعیت مرتبط با حقوق عمومی و از مصلحت دولت پیروی می‌کند؛ در حالی که اقتدار مرد در زمره ی حقوق خصوصی و بر مبنای مصلحت خانواده می‌باشد. ضمن اینکه این احتمال نیز کاملاً منطقی می‌باشد که مقنن، اقتدار را از مرد بگیرد، بدون اینکه نیاز باشد در مسأله تابعیت زن تجدید نظر نماید (Safaei & Emami, 2023).

ریاست شوهر و اجازه زن از او در مسائلی که مربوط به اداره خانواده است، هم قانونی است و هم شرعی. بر اساس شرع اسلام و ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی، پس از انعقاد قرارداد نکاح، هر یک از زوجین حقوق و تکالیفی در مقابل یکدیگر پیدا خواهند نمود. همانطور که در قرآن کریم آمده است: «لهن مثل الذی علیهن بالمعروف» یعنی برای زنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته‌ای قرار داده شده است همچنان که تکالیفی بر عهده زنان قرار گرفته از حقوقی نیز برخوردارند و بین حقوق و تکالیف آن‌ها تعادلی برقرار است. عدالت اقتضا می‌کند که حقوق و تکالیف بر اساس توانایی‌های روحی و طبیعی و جسمی بین آن‌ها تقسیم شود. از این رو در حقوق اسلام، همانطوری که تکلیف انفاق و تأمین هزینه زندگی خانواده مطابق آیه ۳۴ سوره نساء بر عهده مرد نهاده شده است، زن نیز در مقابل مکلف شده تا از مرد به عنوان رئیس تشکل خانواده، اطاعت نماید. اثبات ریاست شوهر بر خانواده از ناحیه قرآن و روایات روشن و قطعی است.

الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم^۱

مردان سرپرست زنان هستند، به خاطر برتری‌هایی که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به خاطر نفقه‌ای که از اموالشان به زنان می‌پردازند. خداوند متعال در آیه فوق حق ریاست بر خانواده و سرپرستی و تدبیر امور خانواده را به دلیل برتری‌های طبیعی

^۱ بقره (۲۲۸)

^۲ نساء (۳۴)

جنس مرد به او سپرده است و در مقابل، مرد مکلف شده است که مخارج و هزینه زندگی او را تامین نماید. آیه فوق بعد از این که اصل سرپرستی و ریاست شوهر را بیان می کند به حکمت یا علت این امتیاز و حق اشاره می کند و می فرماید:

بما فضل الله بعضهم علی بعض: یعنی این سرپرستی به خاطر تفاوت‌هایی است که خداوند از نظر آفرینش روی مصلحت نوع بشر میان آن‌ها قرار داده و بلافاصله در مقابل چنین حقی، تکلیفی را به عهده شوهر قرار می دهد و می فرماید:

و بما انفقوا من اموالهم: یعنی این سرپرستی به خاطر تعهداتی است که مردان در مورد انفاق کردن و پرداختهای مالی در برابر زنان و خانواده به عهده دارند»

همچنین در تفسیر نمونه ذیل همین آیه آمده است: قرآن در اینجا تصریح می کند که مقام سرپرستی باید به مرد داده شود... و این موقعیت به خاطر وجود خصوصیتی در مرد است» (Makarem Shirazi, 1974).

۲- روایات روایات متعدد معتبری دلالت بر این امر دارد که از جمله آنها، حدیث امام محمد باقر علیه السلام است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند: زنی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت حق شوهر بر زن چیست؟ پیامبر فرمودند:

از مرد اطاعت کنید و عصیان نکنید... بدون اجازه او روزه نگیرید... بدون اذن شوهر از منزل خارج نشوید. بنابراین، اصل اعطای ریاست خانواده به شوهر از منظر قرآن و روایات جای تردید نیست و ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی نیز به صراحت آن را بیان نموده است.

فرانسه: نسخ تفوق مرد نسبت به زن در قانون مدنی فرانسه، به دو حالت نشان داده شد:

۱- مطیع و تابع بودن زن نسخ شد.

۲- اقتدار مرد در روابط زن و شوهری حذف شد.

با تحول افکار در اجتماع و با حذف اقتدار مرد، تحمیل تابعیت مرد بر زن، امری غیرمنطقی تلقی و در قانون ۱۹۷۲، تابعیت مرد لغو شد. قانون فوق، صراحتاً اعلام کرد که ازدواج هیچ اثری در تابعیت ندارد. به نظر می رسد که روش قانون گذار فرانسه در خصوص تابعیت زوجین تا اندازه‌ای منطقی و موجد تفاهم بیشتر در نهاد خانواده می باشد؛ چون زندگی مشترک ارتباطی با تابعیت برابر ندارد، اگرچه سکونتگاه واحد ضروری به نظر می رسد (Hauser & Huet-Weiller, 1999).

وفاداری در ازدواج

در عالم حقوق، وفاداری زیرمجموعهٔ هنجار تعهد و مسئولیت متقابل است. وفاداری به معنی اعم، در ازدواج مستلزم دادن بالاترین اولویت به رابطه، همراه با انتظار بقای مادام العمری آن است. در نتیجه، مفهوم عام وفاداری با تعهد زوجین مبنی بر ترک دیگران و اولویت دادن به پیمان زناشویی تعریف می شود. پس به نظر می رسد که بی اعتنایی از مصادیق تخلفی از تعهد به وفاداری است. وفاداری در مفهوم خاص به معنی انحصاری بودن رابطهٔ جنسی میان زوجین است. تخلفی از رابطهٔ انحصاری جنسی (ارتکاب زنا) بزرگ‌ترین تهدیدی است که بر اساس رابطهٔ زوجیت وارد می شود (Scott, 2000).

ایران: وفاداری در قانون ایران به صراحت مورد شناسایی قرار نگرفته است. از لحاظ کیفی، در قانون مجازات اسلامی فرقی بین زن و مرد نیست و ممکن است با اجتماع شرایط، مجازات اعدام (حد رجم) را به دنبال داشته باشد. همین امر اهمیت تکلیف به وفاداری و ارتباط آن با نظم عمومی را نشان می دهد. تکلیف به وفاداری از نظر حقوق نیز بدون ضمانت اجرا باقی نمانده است و هرگاه رابطهٔ نامشروع شوهر با زنان دیگر، به صورت عادت او درآید، می تواند به عنوان سوءمعاشرت، مستند حق درخواست طلاق قرار گیرد (Katouzian, 2006).

فرانسه: سابقه قانون گذاری در فرانسه تأکید بیشتری بر سلامت اخلاقی خانواده دارد. در متون حقوقی کشور فرانسه چنین نوشته شده: قانون ما طلاق را فقط برای چهار علت معین پذیرفته است: زنا، محکومیت یکی از زوجین به مجازات بدنی و سلب حیثیت (از قبیل کارهای اجباری، حبس با اعمال شاقه، بازداشت و تبعید)، عدم اعتدال و سوء معاشرت (منظور ارتکاب مکرر اعمال خشونت آمیز و دشنام‌های غیرقابل تحمل است). حسن معاشرت به معنی احترام متقابل است. احترام، ارزش محوری در حقوق خانواده است. نباید به مفهوم احترام نگاهی سطحی داشت؛ زیرا احترام متقابل موجب فضای کافی برای رشد شخصیت، تعاملات فردی و شکوفایی عشق می شود (Henaghan, 2008). در فرانسه زنا شوهر وقتی موجب حق طلاق برای زن است که در منزل مشترک انجام شود (Nouri Youshanlou et al., 2017).

حق طلاق

ایران: طلاق، راهکاری قانونی جهت انحلال نکاح و خاتمه زندگی مشترک بین زوجین است. پیدایش بحران در هنجارها و ارزش‌ها از اهم دلایل این پدیده مذموم است. هنگامی که انسانها صرفاً به تمتع می اندیشند و فقط مصالح خویش را در نظر می آورند، در چنین جامعه‌ای پدیده ازدواج نیز مستثنا نخواهد بود و شمار طلاق در آن افزون خواهد شد (Saroukhani, 2019).

این عمل حقوقی در حقوق ایران از نوع ایقاع تشریفاتی بوده که به استناد منابع حقوقی ایران، تنها اراده یک نفر که همان مرد می باشد، برای اجرای صیغه طلاق کفایت می کند. ولی در برخی موارد قائل شدن این حق تنها برای مردان باعث شده است که ایشان از این حق خود سوء استفاده نمایند که در اکثر موارد سبب عسر و حرج زوجه می گردد. حقوق ایران با پیروی از نظر مشهور فقهای امامیه، به استناد ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی این حق را صرفاً برای زوج متصور شده است. بررسی منابع فقهی در این باره نشان می دهد که حق طلاق و مطلقه کردن زوجه تنها در اختیار مرد است، اما کارکرد نهاد خانواده به عنوان یک سازمان انسان ساز و ارزشی و مد نظر قرار دادن مشکلاتی که ادامه زندگی برای زوجه را طاقت فرسا می نماید، باعث گردیده است که قانونگذار تحت شرایط خاصی اختیار مطلقه ساختن خود را به زوجه اعطا کند. یکی از این شرایط خاص که ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی بدان پرداخته شده است، بحث توکیل زوجه در طلاق به عنوان شرط ضمن عقد در عقد نکاح یا عقد لازم خارج می باشد که محل چالش‌های فراوان فقهی و حقوقی گردیده است. احکام و مقررات مدنی در حقوق ایران عمدتاً منبث از حقوق فرانسه و فقه پویای امامیه می باشد. هرچند در حقوق ایران حق طلاق منحصراً در اختیار مرد قرار داده شده است و زن تنها می تواند وکالتاً از این حق برخوردار گردد ولی توجه به مفاد قانونی در حقوق فرانسه نشان می دهد که همچنان که عقد نکاح مانند یک قرارداد مدنی محسوب می گردد زوال یا ادامه آن نیز به هریک از طرفین بستگی دارد و حقوق فرانسه قائل به اختصاص حق طلاق به یک طرف قرارداد نکاح نمی باشد و هرکدام از طرفین با توجه به شرایط مقرر در قانون خانواده فرانسه می توانند برای طلاق، اقامه ی دعوا نمایند (Safaei et al., 2021).

در قوانین ایران به پیروی از فقه امامیه سه شیوه برای وقوع طلاق ذکر شده است. روش اول خواست مرد است؛ در ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی ایران آمده است که: «مرد هر وقت که بخواهد می تواند زن خود را طلاق دهد. دوم تقاضای طلاق توسط زن از دادگاه و سوم طلاق توافقی زن و شوهر که به طلاق خلع و مبارات معروف است و نوع خاصی از طلاق با شرایط خاص خود محسوب می شود. در ایران امروز مردی که بخواهد همسرش را طلاق بدهد ابتدا باید دادگاه رجوع کند و دادگاه هم سعی به سازش بین او و همسرش خواهد کرد و اگر این اتفاق نیفتاد اجازه ی طلاق را صادر خواهد کرد (Safaei & Emami, 2023). به طور کلی قانونگذار شرایط صدور حکم طلاق به درخواست زوجه را

بسیار دشوار در نظر گرفته است ولیکن در زمانی که زوجه بنا به دلایلی قادر به تحمل ادامه زندگی نباشد، دادگاه می‌تواند اقدام به صدور رای طلاق دهد یکی از این شرایط، غیبت طولانی و بدون عذر موجه زوجه است.

در حقوق ایران، زن با اثبات یکی از موارد ۴ گانه ذیل، می‌تواند از دادگاه تقاضای طلاق نماید:

۱- خودداری یا عجز شوهر از پرداخت نفقه

۲- عسر و حرج زن

۳- غیبت شوهر

۴- وکالت زن در طلاق (Azadfar & Soltani, 2020).

فرانسه: در حقوق ایران، مرد می‌تواند با رعایت تشریفات مقرر در قانون، زن خود را طلاق دهد بدون این که نیاز به اثبات موجب یا موجبات خاصی باشد لیکن درخواست طلاق از طرف زن به راحتی پذیرفته نمی‌شود و زوجه در صورت اثبات موارد خاصی می‌تواند درخواست طلاق کند. ترک انفاق از سوی زوج، غیبت زوج به مدت طولانی، سوء رفتار یا سوء معاشرت زوج، ارتکاب جرم توسط زوج و عسر و حرج زوجه از جمله این موارد می‌باشد. گاهی اوقات، با استفاده از شروط ضمن عقد نکاح نیز می‌توان درخواست طلاق را مطرح کرد. اثبات بعضی از این موارد (حتی در صورت وجود)، به آسانی امکان پذیر نیست و در نتیجه درخواست طلاق از سوی زوجه، پذیرفته نمی‌شود و این یکی از معضلاتی است که برخی از بانوان جامعه با آن سر و کار دارند. اما در حقوق فرانسه نیز، حق طلاق برای زوجین در نظر گرفته شده و هریک از زوجین به طور مساوی از حق طلاق برخوردار می‌باشند. البته برای استفاده از این حق، شروطی در نظر گرفته شده که رضایت مقابل، پذیرش اصل شکست ازدواج (پیشنهاد طلاق) لطمه‌ی غیر قابل جبرانی که در پیوند ازدواج به وجود می‌آید. تخریب قطعی رابطه‌ی زناشویی و تقصیر از جمله این شروط است (Azadfar & Soltani, 2020). امروزه بر مبنای آخرین اصلاحات صورت پذیرفته در قانون مدنی فرانسه، مطابق ماده ۲۲۹ آن، طلاق می‌تواند در این موارد صادر گردد:

۱- با توافق طرفین؛

۲- با پذیرش اصل فروپاشی ازدواج؛

۳- به دلیل تخریب قطعی رابطه زناشویی

۴- به دلیل تقصیر.

همچنین روش‌های انجام طلاق در فرانسه به دو صورت طلاق توافقی و غیر توافقی تقسیم می‌شود:

الف) طلاق توافقی: با توجه به مواد قانونی در خصوص طلاق توافقی در قانون مدنی فرانسه، می‌توان مراحل آئین دادرسی چنین طلاقی را به صورت ذیل دسته بندی نمود:

مرحله (۱) تفاهم و توافق زوجین بر طلاق: در ابتدا در صورتی که زوجین تشخیص دهند که ادامه زندگی برای ایشان به صلاح نیست و تفاهم بر جدایی داشته باشند، اولین قدم در راستای اخذ طلاق توافقی را پیموده اند. (مرحله ۲) تنظیم توافق نامه جهت تنظیم نتایج طلاق: در مرحله دوم مطابق ماده ۲۳۰ قانون مدنی فرانسه که بیان می‌دارد: زوجین زمانی که راجع به انحلال ازدواج و آثار آن تفاهم داشته و توافق نامه‌ای برای تنظیم نتایج طلاق به تأیید دادرس برسانند، می‌توانند به اتفاق درخواست طلاق دهند. نیاز است که زوجین توافق نامه‌ای را تنظیم نمایند.

مرحله ۳) درخواست طلاق توسط وکالی اختصاصی یا وکیل منتخب مشترک زوجین: مطابق ماده ۲۵۰ قانون مدنی فرانسه، درخواست طلاق توسط وکلای اختصاصی طرفین یا وکیل مشترک منتخب ارائه می‌گردد.

مرحله ۴) بررسی درخواست طلاق با هریک از زوجین و هردوی ایشان و وکیل یا وکالی ایشان: در مرحله بعد، دادرسی درخواست طلاق را با هر یک از زوجین بررسی نموده، سپس ایشان را نزد هم جمع می‌کند. و در نهایت، وکیل یا وکیلان را فرا می‌خواند.

مرحله ۵) تأیید توافق نامه توسط دادرسی: الزام است که توافق نامه ی زوجین متقاضی، مطابق با ماده ۲۳۰ قانون مدنی فرانسه، به تأیید دادرسی برسد. و مطابق ماده ۲۳۲ قانون مدنی فرانسه، قاضی در صورت احراز واقعی بودن اراده هر یک از زوجین و آزادانه و صریح بودن رضایت ایشان، توافق نامه را تأیید می‌نماید. اما اگر دادرسی تشخیص دهد که توافق نامه به نحو کافی تأمین کننده منافع فرزندان یا یکی از زوجین نیست، می‌تواند از تأیید آن و صدور طلاق امتناع ورزد. در صورتی که دادرسی از تأیید توافق نامه خودداری نماید، مطابق با ماده ۲۲۵۰ همان قانون، می‌تواند اقدامات موقتی که طرفین بر انجام آن‌ها تا تاریخی که رأی طلاق اعتبار امر قضاوت شده یابد توافق کردند، تأیید کند. مشروط به آن که اقدامات مطابق مصلحت فرزند یا فرزندان باشد. البته زوجین نیز موظف اند ظرف حداکثر شش ماه توافق نامه جدید ارائه دهند. وگرنه مطابق ماده ۳۲۵۰ قانون مدنی فرانسه، در صورت عدم ارائه توافق نامه جدید در مهلت مقرر یا امتناع مجدد دادرسی از تأیید توافق نامه، درخواست طلاق باطل می‌گردد.

مرحله ۶) دستور طلاق توسط قاضی: مطابق ماده ۲۲۵۰ قانون مدنی فرانسه، هرگاه دادرسی توافق نامه تنظیم کننده نتایج طلاق را تأیید کند، در همان رأی دستور طلاق را صادر می‌نماید (Fulshiqon, 2016).

ب) **طلاق غیرتوافقی:** در مواردی که توافق صورت نمی‌گیرد طلاق غیرتوافقی اجرا می‌شود. این مورد می‌تواند شامل خشونت و یا خیانت باشند. همچنین، اگر حداقل یکی از زوجین شش سال جدا از هم زندگی کرده باشد یا قوای ذهنی یکی از طرفین در طی این مدت چنان تغییر کرده باشد که دیگر امکان زندگی مشترک وجود نداشته باشد، اجرای طلاق غیرتوافقی صورت می‌گیرد. فردی که متقاضی طلاق است باید هزینه‌های مربوط به آن را نیز بپردازد.

اگر یکی از زوجین جدایی شش ساله را انکار کند زوج مقابل باید مدارکی دال بر جدایی به دادگاه ارائه دهد. چون اگر جدایی ثابت شود دیگر برای طلاق نیازی به موافقت طرف دیگر نیست و در واقع بعد از ۶ سال زندگی به تنهایی، حکم طلاق صادر می‌گردد.

مقررات در سیستم حقوقی ایران و فرانسه در زمینه مفهوم و مختصات طلاق را می‌توان به شرح زیر مقایسه کرد:

الف) مفهوم طلاق در دو سیستم حقوقی تقریباً به یک معناست: پایان دادن به رابطه ی زناشویی.

ب) در نظام حقوقی ایران، ماهیت طلاق ایقاع است که به اراده مرد واقع می‌شود و مداخله دادگاه نقشی در شکل‌گیری ارکان و ماهیت طلاق ندارد ولی در حقوق فرانسه، حکم طلاق توسط دادگاه صادر شده و پس از حکم دادگاه نیاز به دلیل دیگری نیست.

ج) در ایران تقاضای طلاق جز در موارد مصرح قانونی، از زن پذیرفته نمی‌شود در حالی که مرد مطلقاً از حق طلاق برخوردار است. اما در فرانسه هر یک از زن و مرد به طور برابر حق اقامه دعوی طلاق را دارند.

د) در حقوق ایران و فرانسه طلاق با تصمیم یکی از طرفین و یا حتی توافق هر دو، صورت نگرفته و لزوماً حکم مربوط، باید توسط دادگاه صادر گردد.

ه) در حقوق ایران طلاق ویژه عقد دائم است اما در حقوق فرانسه این ویژگی موضوعه متفی است، چون بر خلاف ایران تقسیم بندی نکاح به نکاح دائم و منقطع در حقوق فرانسه وجود ندارد (Azadfar & Soltani, 2020).

حق اقتدار:

ایران: بر حسب استقراء در قوانین و مقررات حاکم حقوق غیرمالی پدر در ایران شامل ۱- ولایت پدر در ازدواج فرزند ۲- حق حضانت ۳- حق ملاقات فرزند ۴- حق تادیب و تنبیه ۵- تابعیت فرزند ۶- ضرورت احترام به پدر و مادر است. ولایت پدر در ازدواج فرزند حق ولایت پدر یا جد پدری زیر دو عنوان ۱- قابلیت صحیح فرزند برای ازدواج و ۲- ازدواج دختر باکره رشیده قابل بررسی است:

قابلیت صحیح فرزند برای ازدواج: در مورد نخست بر اساس عقیده رایج در فقه اسلامی ولی قهری پدر و جد پدری می تواند فرزند صغیر خود را به تزویج دیگری درآورد دلیل آن آیه ۲۳۷ سوره بقره و روایات بسیاری است که به صراحت وجود چنین اختیاری را برای پدر و جد پدری به اثبات می رساند.

ازدواج دختر باکره رشیده: در خصوص مورد دوم ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی نکاح دختر باکره را اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه ولی قهری او دانسته و فقط زمانی که ولی بدون علت موجه اجازه نمی دهد، اجازه وی ساقط می شود در این صورت دختر می تواند با معرفی کامل مردی که می خواهد با او ازدواج نماید و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده، از دادگاه مدنی خاص اجازه خود را دریافت و جهت ثبت ازدواج خود به دفترخانه مراجعه نماید که باید آن را مبتنی بر حفظ مصالح دختر دانست (Diyani, 2008).

حق حضانت فرزند: قانون گذار ایران در مورد نگهداری، مراقبت و تربیت فرزند، بر خلاف امور مالی صغیر که تنها به پدر واگذار شده است مادر را در کنار پدر قرار داده و حضانت را حق و تکلیف والدین معرفی نمود (ماده ۱۱۶۸ ق.م). مطابق (ماده ۱۱۶۹ ق.م) برای حضانت و نگهداری طفلی که والدین او جدا از یکدیگر زندگی می کنند مادر تا سن ۷ سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است.

حق ملاقات فرزند: در خصوص حق ملاقات فرزند در نظام حقوقی ایران، به استناد ماده ۴۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ هر گاه دادگاه تشخیص دهد توافقات راجع به ملاقات، حضانت و... بر خلاف مصلحت اوست یا در صورتی که مسوول حضانت از انجام تکالیف مقرر خودداری کند و یا مانع ملاقات طفل تحت حضانت با اشخاص ذی حق شود، می تواند در خصوص اموری از قبیل واگذاری امر حضانت به دیگری یا تعیین شخص ناظر با پیش بینی حدود نظارت وی با رعایت مصلحت کودک تصمیم مقتضی اتخاذ کند.

تابعیت فرزند: مطابق بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، تابعیت از طریق نسب پدری منتقل می شود. یعنی کسانی که پدر آنها ایرانی است، اعم از این که در ایران یا در خارج متولد شده باشند، ایرانی محسوب می شوند همچنین در اعطای تابعیت ایران، نسب پدری ملحوظ است نه نسب مادری (ماده ۹۸۴) و بر اساس (ماده ۹۶۶ ق.م) روابط بین والدین و اولاد، تابع قانون دولت متبوع پدر است. بنابراین، مادران ایرانی، اصولاً، امکان انتقال تابعیت خود به فرزندانشان را ندارند.

فرانسه: سن ازدواج: در نظام حقوقی فرانسه اصل بر این امر است که برقراری عقد ازدواج پیش از ۱۸ سال تمام امکان پذیر نمی باشد بنابراین اصل مقرر در ماده ۱۴۴ قانون مدنی فرانسه به موجب ماده ۱۴۵ آن قانون تخصیص خورده است. به این صورت چنانچه دادستان محل برگزاری مراسم ازدواج در صورت وجود دلایل مهم برگزاری مراسم ازدواج را به مصلحت بداند، می تواند طرفین را از شرط سنی ۱۸ سال تمام معاف

نماید. از جمله اشخاصی که دارای صلاحیت اظهار نظر در خصوص ازدواج فرزند در قانون مدنی فرانسه هستند پدر و مادر اجداد یا جدات، خانواده و رئیس جمهور می‌باشند.

در حقوق فرانسه برخلاف حقوق ایران که تنها رضایت پدر را برای ازدواج فرزند لازم می‌داند و برای مادر در این خصوص حقی قائل نیست، مطابق تصریح ماده ۱۴۸ قانون مدنی فرانسه، صغار چه پسر و چه دختر نمی‌توانند در صورت فوت یکی از پدر یا مادر و یا در فرض ناتوانی ایشان از اجرای اقتدار والدین، رضایت والد دیگر در خصوص ازدواج فرزند کفایت می‌کنند. چنانچه همسر یا پدر و مادر متوفی به همراه قسم فوت وی را تصدیق نمایند، لزومی به ارائه گواهی وفات پدر یا مادر زوج آتی نمی‌باشد. بنا بر ماده ۱۴۹ قانون مدنی فرانسه: چنانچه اقامتگاه کنونی پدر و مادر معلوم نباشد و به مدت یک سال از وی خبری نشده باشد، در صورت اعلام آن به همراه قسم توسط فرزند و والد دیگر او که رضایت خواهد داد، برگزاری مراسم ازدواج ممکن می‌باشد. البته لازم به ذکر است که موارد مذکور باید در گواهی ازدواج درج گردد بدین ترتیب ناتوانی هر یک از پدر و مادر از ابراز اراده خود از طریق اعلام و قسم والد دیگر و کودک، اثبات می‌گردد (Courbe, 2008).

حق حضانت و نگهداری فرزند: با تغییراتی که در دهه ۶۰ قرن نوزدهم در قانون مدنی فرانسه ایجاد شد، سن بلوغ به ۱۸ سال کاهش یافت. این تغییرات، روابط بین اعضای خانواده را به طور کلی بازتعریف کرد و اصل برابری فرزندان را مورد تأکید قرار داد. قانون مفهوم نگهداری را از قانون حذف کرد. در اعمال اقتدار والدین، قاضی امور خانوادگی، آن ولی‌ای را که فرزند باید به طور معمول نزد او نگهداری شود، تعیین می‌کند. با این حال، قاضی باید دو چیز را همواره در نظر بگیرد: یکی توافقات بین زن و شوهر و دیگری احساسات فرزندان که باید از سن ۱۳ سالگی به بعد استماع شوند. اما قانون ۱۹۹۳م. پا را از این امر فراتر می‌گذارد و اقتدار زن اعم از همسر و شریک را بعد از طلاقش، به عنوان یک قاعده به رسمیت می‌شناسد. اصل بر این است که اعمال اقتدار والدین به یکی از پدر و مادر واگذار نمی‌گردد، مگر آن که مصلحت کودک اقتضا کند. اقتدار والدین به دو صورت مشروع و قانونی تعریف می‌شود که تعریف نوع مشروع بر مبنای رابطه ژنتیکی استوار است، در حالی که نوع قانونی با توجه به قانون و گستردگی بسترها و... تعیین می‌شود (Benghozi, 2001).

بحث و نتیجه‌گیری

حق غیر مالی، امتیازی است که هدف آن رفع نیازمندی‌های عاطفی و اخلاقی است مانند: حق زوجیت که مستقیماً برای زن ایجاد نفعی که قابل تقویم به پول باشد نمی‌کند، ولی غیر مستقیم حق نفقه برای او ایجاد می‌شود این حقوق قابل واگذاری به غیر نیست و به صورت امری توسط قانونگذار وضع شده است. حقوق خانواده یکی از مهمترین بخش‌های حقوق مدنی است و به لحاظ این که سعادت و کمال جوامع بشری در گرو سعادت و کمال خانواده است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در تمام ادوار و در تمام ادیان الهی به خصوص دین مقدس اسلام به عنوان موضوع خاص و حساس مورد احترام قرار گرفته است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز خانواده را واحد بنیادین جامعه و مرکز اصلی رشد و تعالی انسان عنوان کرده است. این پژوهش با هدف اصلی در این تحقیق مقایسه حقوق غیرمالی زوجین در حقوق خانواده ایران و فرانسه انجام شد، یافته‌های این پژوهش نشان داد که:

۱- در رابطه با بهره‌مندی از نام خانوادگی در حقوق ایران: بر اساس ماده ۴۲ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵، پیشینی شده است که زن می‌تواند با موافقت همسرش تا هنگامی که در قید زوجیت است، از نام خانوادگی همسرش بدون رعایت حق تقدم بهره‌گیری نماید و در صورت طلاق، ادامه بهره‌مندی از نام خانوادگی، مشروط به اجازه همسر می‌باشد. اما در حقوق فرانسه بر اساس ماده ۱-۲۲۵ قانون مدنی فرانسه، هر

یک از زن و شوهر مختارند که از نام خانوادگی همسر به شکل جایگزین یا متصل به نام خانوادگی خود، با ترتیب مدنظرش، به منزله نام عرفی و معمول، بدون حق تقدم بهره بگیرند.

۲- در حوزه حق اشتغال: در حقوق ایران: طبق ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی « شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند. ». ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ نیز مقرر می دارد: « شوهر می تواند با تایید دادگاه زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد منع کند. زن نیز می تواند از دادگاه چنین تقاضایی را به نماید. دادگاه در صورتی که اختلالی در امر معیشت خانواده ایجاد نشود موجبات منع اشتغال مرد به شغل مذکور را فراهم می آورد. در حقوق فرانسه: در زمینه حق اشتغال زن در قانون مدنی کنونی فرانسه، ماده ۲۳۳ در زمینه تکالیف و حقوق زن و شوهر اعلام می نماید که هر یک از زن و شوهر این امکان را دارند به صورت آزاد به شغلی پرداخته، درآمد و حقوق خود را دریافت کند و پس از پرداخت هزینه‌های زندگی، باقیمانده را در اختیار بگیرد.

۳- حق تعیین مسکن مشترک: در حقوق ایران: در قانون مدنی، اختیار زوج در تعیین مسکن و تحمیل اقامتگاه زوج بر زوجه، به عنوان حقی مستقل شناخته شده است. از این رو، می توان گفت که حق تعیین مسکن از جانب زوج، از تبعات اعمال اقتدار زوج در خانواده است. به استناد ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی، «زن باید در منزلی که شوهر تعیین می کند سکنی نماید...». اما در حقوق فرانسه: قانون مدنی فرانسه در سال ۱۹۷۵، تغییری اساسی در راستای حمایت از زنان به وجود آورد و در آن، برتری مرد از قانون حذف گردید و حتی زندگی کردن در منزل واحد هم به عنوان یک تعهد، از قانون حذف شد. از آن سال انتخاب محل سکونت مشترک خانواده با توافق طرفین بود. در قانون مدنی کنونی فرانسه، به استناد ماده ۱۰۸، زوج و زوجه می توانند اقامتگاه جداگانه‌ای اختیار نمایند، در صورتیکه به قواعد مربوط به تعهد زندگی مشترک خللی وارد نشود.

۴- در رابطه با تابعیت و ریاست: در حقوق ایران: با عنایت به مواد قانون مدنی، در این زمینه که تحمیل تابعیت زوج بر زن از اثرات اقتدار مرد در روابط زن و مرد است. ریاست شوهر و اجازه زن از او در مسائلی که مربوط به اداره خانواده است، هم قانونی است و هم شرعی. بر اساس شرع اسلام و ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی، پس از انعقاد قرارداد نکاح، هر یک از زوجین حقوق و تکالیفی در مقابل یکدیگر پیدا خواهند نمود. ولی در حقوق فرانسه: نسخ تفوق مرد نسبت به زن در قانون مدنی فرانسه، مطیع و تابع بودن زن و اقتدار مرد در روابط زن و شوهری حذف شد.

۵- در مبحث وفاداری در ازدواج: در حقوق ایران: وفاداری در قانون ایران به صراحت مورد شناسایی قرار نگرفته است. از لحاظ کیفی، در قانون مجازات اسلامی فرقی بین زن و مرد نیست و ممکن است با اجتماع شرایط، مجازات اعدام (حد رجم) را به دنبال داشته باشد. همین امر اهمیت تکلیف به وفاداری و ارتباط آن با نظم عمومی را نشان می دهد. تکلیف به وفاداری از نظر حقوق نیز بدون ضمانت اجرا باقی نمانده است و هرگاه رابطه نامشروع شوهر با زنان دیگر، به صورت عادت او درآید، می تواند به عنوان سوءمعاشرت، مستند حق درخواست طلاق قرار گیرد. در حقوق فرانسه: سابقه قانون گذاری در فرانسه تأکید بیشتری بر سلامت اخلاقی خانواده دارد. در متون حقوقی کشور فرانسه چنین نوشته شده: قانون ما طلاق را فقط برای چهار علت معین پذیرفته است: زنا، محکومیت یکی از زوجین به مجازات بدنی و سلب حیثیت (از قبیل کارهای اجباری، حبس با اعمال شاقه، بازداشت و تبعید)، عدم اعتدال و سوءمعاشرت (منظور ارتکاب مکرر اعمال خشونت آمیز و دشنام‌های غیرقابل تحمل است).

۶-حق طلاق: در حقوق ایران: این عمل حقوقی در حقوق ایران از نوع ایقاع تشریفاتی بوده که به استناد منابع حقوقی ایران، تنها اراده یک نفر که همان مرد می باشد، برای اجرای صیغه طلاق کفایت می کند. در حقوق ایران، زن با اثبات یکی از موارد ۴ گانه ذیل، می تواند از دادگاه تقاضای طلاق نماید:

۱-خودداری یا عجز شوهر از پرداخت نفقه

۲-عسر و حرج زن

۳-غیبت شوهر

۴-وکالت زن در طلاق.

اما در حقوق فرانسه، حق طلاق برای زوجین در نظر گرفته شده و هریک از زوجین به طور مساوی از حق طلاق برخوردار می باشند. البته برای استفاده از این حق، شروطی در نظر گرفته شده که رضایت مقابل، پذیرش اصل شکست ازدواج (پیشنهاد طلاق) لطمه ی غیر قابل جبرانی که در پیوند ازدواج به وجود می آید. تخریب قطعی رابطه ی زناشویی و تقصیر از جمله این شروط است.

۷-در حوزه حق اقتدار:در حقوق ایران: پدر در ازدواج فرزند حق ولایت با پدر یا جد پدری می باشد. در مورد نگهداری، مراقبت و تربیت فرزند، بر خلاف امور مالی صغیر که تنها به پدر واگذار شده است مادر را در کنار پدر قرار داده و حضانت را حق و تکلیف والدین معرفی نمود (ماده ۱۱۶۸ق.م). مطابق (ماده ۱۱۶۹ق.م) برای حضانت و نگهداری طفلی که والدین او جدا از یکدیگر زندگی می کنند مادر تا سن ۷ سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است. در خصوص حق ملاقات فرزند در نظام حقوقی ایران، با رعایت مصلحت کودک تصمیم مقتضی اتخاذ کند.همچنین مطابق بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، تابعیت از طریق نسب پدری منتقل می شود بنابراین، مادران ایرانی، اصولاً، امکان انتقال تابعیت خود به فرزندانشان را ندارند.

در حقوق فرانسه برخلاف حقوق ایران که تنها رضایت پدر را برای ازدواج فرزند لازم می داند و برای مادر در این خصوص حقی قائل نیست، مطابق تصریح ماده ۱۴۸ قانون مدنی فرانسه، صغار چه پسر و چه دختر نمی توانند در صورت فوت یکی از پدر یا مادر و یا در فرض ناتوانی ایشان از اجرای اقتدار والدین، رضایت والد دیگر در خصوص ازدواج فرزند کفایت می کنند. در رابطه با حق حضانت و نگهداری فرزند در اعمال اقتدار والدین، قاضی امور خانوادگی، آن ولی ای را که فرزند باید به طور معمول نزد او نگهداری شود، تعیین می کند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

In the domain of comparative family law, this research explores the non-pecuniary rights of spouses within the legal systems of Iran and France. Family law, as a critical segment of civil legislation, governs marriage, divorce, and parental relations, and significantly influences societal structures. In Iranian law, grounded deeply in Islamic jurisprudence, the legal configuration predominantly

upholds a patriarchal model, favoring male authority in matters such as the right to determine shared residence, employment rights of the wife, the right to divorce, and paternal guardianship (Katouzian, 2003, 2006). Contrastingly, French law has undergone substantial evolution, emphasizing gender equality and mutual responsibilities between spouses (Hauser & Huet-Weiller, 1999; Malaurie & Fulchiron, 2016). These structural divergences stem from foundational philosophical and legal paradigms: while Iran's system aligns closely with Sharia principles, France's framework aligns with secular republican values. The juxtaposition reveals that in Iran, male privilege is codified through provisions that grant husbands superior legal standing, whereas in France, post-1975 reforms significantly curtailed male dominance and promoted parity in spousal rights. For instance, Iran's Civil Code still legitimizes the unilateral right of a husband to initiate divorce, whereas France allows both spouses equal access to divorce, reflecting a commitment to personal autonomy (Azadfar & Soltani, 2020; Safaei et al., 2021).

One key area of divergence concerns the right to use a spouse's surname. In Iranian law, the wife may adopt her husband's surname during the marriage with his permission, and may only retain it post-divorce if the husband consents, suggesting a subordinate symbolic identity tied to the marital union. This framework does not acknowledge a reciprocal right for men to take their wives' surnames without permission from the name holder, reflecting entrenched gender norms (Jamshidi Naeini, 2015). Conversely, French law under Article 225-1 of the Civil Code permits either spouse to adopt the other's surname as a customary name, not subject to hierarchical preference. The legal framework accommodates gender neutrality and mutual recognition of identity in marriage (Hauser & Huet-Weiller, 1999). This difference underscores broader ideological commitments: Iran's law reflects patriarchal continuity, where marital identity is relationally subordinate for women; French law asserts the individuality and equal standing of both spouses, even symbolically, through naming rights. Additionally, recent French debates and reforms, such as placing mothers' names on national IDs, underscore the nation's orientation towards inclusive representation and social acknowledgment of women's roles.

The study also investigates employment rights within marriage. Iranian law permits a husband to prevent his wife from working if the job conflicts with "family interests or the dignity of either spouse" per Article 1117 of the Civil Code, effectively granting him gatekeeping power over her public participation (Roshan, 2017). This legal authority reflects male guardianship embedded in Islamic law, where the husband assumes leadership over household decisions, including external employment. In contrast, French law, particularly Articles 223 and 225 of the Civil Code, affirms the right of each spouse to pursue an occupation and manage personal income autonomously, without needing spousal consent (Chatenet, 2009). This paradigm prioritizes individual liberty and rejects marital subordination. The legal frameworks mirror distinct ontological views of marriage: Iran frames it as a hierarchical institution with defined gender roles, while France frames it as a partnership of equals. The implications are practical and symbolic—limiting women's labor participation in Iran reinforces domestic confinement, whereas in France, legal autonomy supports full civic and economic engagement for married women.

In terms of household leadership and the right to determine the place of residence, Iranian law assigns this authority to the husband, codifying it as part of his legal prerogatives under Article 1114. A wife must reside in the domicile selected by her husband unless a marriage contract stipulates otherwise (Safaei & Ghasemzadeh, 2009). The law also binds the wife's legal domicile to that of her husband, reinforcing the unidirectional nature of authority. However, French reforms post-1975 abolished the husband's unilateral right in such matters. Article 108 of the French Civil Code enables

spouses to maintain separate residences, provided it does not undermine their marital obligations. Furthermore, Article 215 stipulates that both spouses jointly determine the family home, emphasizing negotiation and mutual consent. This evolution in French law illustrates a systemic redefinition of familial power—removing the presumption of male leadership and instead institutionalizing co-decision-making. The Iranian model continues to endorse a traditional view where domestic governance aligns with paternal control, reflecting theological justifications drawn from Qur'anic interpretations (Makarem Shirazi, 1974).

The issue of nationality and legal guardianship further illustrates the dichotomy. Iranian law presumes the transmission of nationality through the father and grants him exclusive legal authority in child custody and marriage decisions (Katouzian, 2023). Article 1043 of the Civil Code mandates paternal consent for the marriage of virgin daughters, effectively institutionalizing male oversight. Guardianship and legal agency over children predominantly lie with the father or paternal grandfather, even in cases of divorce. French law, however, recognizes shared parental authority and has progressively dismantled paternal supremacy in family decisions. Article 148 of the French Civil Code allows either parent's consent for a minor's marriage and emphasizes the child's welfare as the guiding principle for custody arrangements, especially after divorce (Benghozi, 2001; Courbe, 2008). These frameworks reflect deeper ideological orientations: the Iranian model views familial relations as hierarchically ordered and male-headed, while the French model prioritizes individual rights and equality, even within the family. The legal configuration in France seeks to neutralize gender hierarchies and align the family unit with broader egalitarian legal standards.

When addressing the right to divorce, Iran's legal tradition—anchored in Shi'a jurisprudence—endows the husband with the unilateral right to initiate divorce (ṭalāq), viewing marriage dissolution as a matter subject to male discretion. This is reinforced in Article 1133 of the Civil Code and interpreted as a divinely sanctioned male prerogative (Safaei et al., 2021). A woman may only access divorce under limited conditions such as harm, abandonment, or failure to pay maintenance. In practice, even these require rigorous judicial scrutiny. In contrast, French divorce law, particularly under Article 229, grants both spouses equal rights to initiate divorce based on mutual consent, irretrievable breakdown, or fault (Fulshiqon, 2016). The legal process in France emphasizes procedural fairness and symmetry, often involving judicial oversight to ensure that divorce agreements protect all parties, especially children. This reveals a profound philosophical divergence: Iranian law places moral and religious authority at the center of marriage dissolution, whereas French law treats divorce as a contractual right, with courts ensuring equitable separation. The Iranian model prioritizes marital preservation, often at the expense of women's autonomy, while the French model centers on mutual respect and legal parity.

In conclusion, the comparative analysis of non-pecuniary rights of spouses in Iran and France highlights foundational differences rooted in jurisprudential traditions and socio-legal philosophies. Iranian law reflects a normative structure where marital roles are gendered and hierarchical, often privileging the husband's authority. French law, conversely, demonstrates a progressive shift towards egalitarianism, ensuring that both spouses enjoy equal rights in identity, employment, residence, custody, and divorce. These differences are not merely doctrinal but reflect the broader cultural, religious, and political contexts in which these legal systems operate. The study underscores the importance of aligning legal reforms with evolving conceptions of justice, gender equality, and human rights, offering insights for policymakers, legal scholars, and advocates of family law reform worldwide.

References

- Azadfar, A., & Soltani, A. (2020). Comparing Divorce Grounds Based on Wife's Petition in Iranian and French Law. *Iranian Sociology Monthly*, 3(4), [Add page range]-[Add page range].
- Benghozi, P. (2001). *Autorité Parentale Légale, Autorité Parentale Légitime*. Press Le Divan familial. <https://doi.org/10.3917/difa.006.0043>
- Chatenet, A. (2009). La femme, maîtresse de maison? Rôle et place des femmes dans les ouvrages d'économie domestique au XVIIIe siècle. *Histoire, Économie et Société*, 28(4). <https://doi.org/10.3917/hes.094.0021>
- Courbe, P. (2008). *Droit de la famille*. Paris: Sirey Université.
- Diyani, A. (2008). *Family Law (Marriage and Its Dissolution)*. Tehran: Mizan Legal Foundation.
- Fahimi, A. (2021). Instances of Hardship Leading to Divorce in Marriage Contracts Under Iranian and French Law. *Comparative Research in Islamic and Western Law*, 8(29), 22-197.
- Fulshiqon, O. (2016). *Persons and Family (Translation of Book One of the French Civil Code, Articles 1 to 515)*. Tehran: Kharasandi Publications.
- Hauser, J., & Huet-Weiller, D. (1999). *Traité De Droit Civil: La Famille, Fondation et Vie de la Famille*. L.G.D.J.
- Hedayatollah, F. (2019). *Family Law in the Islamic Republic of Iran*. Research Center of Hawza and University.
- Henaghan, M. (2008). The Normal Order Of Family Law. *Oxford Journal of Legal Studies*, 28(1), 165-182. <https://doi.org/10.1093/ojls/gqm026>
- Jafari Langroudi, M. J. (1997). *General Introduction to Jurisprudence (Vol. 1)*. Tehran.
- Jamshidi Naeini, M. (2015). *Family Law in Marriage and Divorce (With Reference to the 2012 Family Law)*. Aron.
- Katouzian, N. (2003). *Introductory Course on Civil Law: Family*. Tehran: Mizan Publications.
- Katouzian, N. (2004). *Foundations of Public Law (Vol. 1)*. Tehran.
- Katouzian, N. (2006). *Legal Acts: Contracts and Unilateral Acts*. Tehran: Sahami Publications.
- Katouzian, N. (2023). *Civil Law Series: Family (Vol. 1)*. Tehran: Sahami Publications.
- Makarem Shirazi, N. (1974). *Tafsir Nemouneh (Vol. 3)*.
- Malaurie, P., & Fulchiron, D. (2016). *Droit De La Famille*. LGDJ.
- Nouri Youshanloui, J., Barzegar, M., & Farsi, M. (2017). *French Legal Texts in Civil Law*. Tehran: Kharasandi Publications.
- Roshan, M. (2017). *Family Law*. Tehran: Jungle Publications.
- Safaei, A., Nazemi Ashni, M. H., & Salimi, A. (2021). A Comparative Study of Wife's Power of Attorney for Divorce in Iranian and French Law. *Woman and Society (Women's Sociology)*, 12(47), 57-66.
- Safaei, H., & Emami, A. (2023). *Concise Family Law*. Tehran: Mizan Publications.
- Safaei, S. H., & Ghasemzadeh, M. (2009). *Civil Law: Persons and Legal Incapacity*. Tehran: SAMT.
- Salari Far, M. R. (2016). *An Introduction to Couples Therapy with an Islamic Approach*. Research Center of Hawza and University.
- Saroukhani, B. (2019). *An Introduction to Family Sociology*. Soroush Publications.
- Scott, E. S. (2000). Social Norms And The Legal Regulation Of Marriage. *Columbia Law School*. <https://doi.org/10.2139/ssrn.224972>
- Shirvai, A. (2018). *Family Law: Marriage, Divorce, and Children*. Tehran: SAMT Publications.
- Yazdi, O., & Bahman Keshavarz, B. (2013). *Family Law*. Ava Book.